در اولین نوبت از نشست «سینما رو به آینده» مطرح شد؛

دولت یا سینماگران؛ مخالف اصلی حذف پروانه ساخت کیست؟/ «آژانس شیشه‌ای» هم مجوز ساخت نداشت!

به گزارش روابط عمومی برنامه، اولین جلسه از سلسله نشست‌های «سینما رو به آینده» (بر سینمای ایران چه خواهد گذشت) روز یکشنبه 17 تیرماه با حضور مهدی سجاده‌چی، محمدرضا عباسیان، عباس نادران و امیررضا مافی در سالن شهر هنر پردیس سینمایی آزادی برگزار شد.

در ابتدای این جلسه امیر قادری میزبان برنامه بیان کرد: در دور اول و دوم سلسله نشست‌های «بر سینمای ایران چه گذشت» سینمای ایران را از دهه 60 بررسی کردیم و تا امروز ادامه دادیم. اما برای دور جدید این جلسات به پیشنهاد دوستان در سازمان سینمایی سوره که برگزارکننده این مراسم هستند، تصمیم گرفتیم با توجه به انتخابات دوره چهاردهم ریاست جمهوری درباره آینده سینمای ایران صحبت کنیم. در این جلسه اشخاص مستقلی وجود دارند و همچنین افرادی هستند که مشخصا سمت‌هایی دارند و براساس آن می‌توانند صحبت کنند. سوال اول من درباره حذف پروانه ساخت است.

مهدی سجاده‌چی درباره این موضوع عنوان کرد: یک مشکل جهانی که در کشور ما نیز وجود دارد، این است که تا زمانی که چیزی یا پروسه‌ای کار کند، دیگر کسی با آن کاری ندارد. همه دوستان می‌دانند که بسیاری از فیلمسازان و به ویژه تهیه‌کنندگان از دشمنان اصلی حذف پروانه ساخت هستند؛ استدلالشان هم واضح است، آن‌ها زحمت می‌کشند و با گرفتن پروانه ساخت در واقع یک امضا از دولت گرفته‌اند تا در آینده مزاحم اکران‌شان نشود. معاونت یا سازمان سینمایی اصولا نسبت به مسایل بیرون از خودش بسیار حساس است؛ من جایی را نمی‌شناسم که با این حساسیت تابع شرایط بیرون باشد.

وی ادامه داد: من موافق حذف پروانه ساخت هستم. پیشنهاد من این است به افرادی که مایل به دریافت این مدرک هستند، پروانه ساخت بدهید و بقیه هم اجازه کار بدون پروانه ساخت را داشته باشند؛ در واقع این ریسک را قبول کنند. من فکر می‌کنم نباید این کار به شکل انتحاری باشد و حتی با این روش می‌توان مساله حذف پروانه ساخت را آزمود. به نظر من تهیه‌کنندگان و کارگردانان با سابقه در ابتدا باید برادری خود را ثابت کنند و به شکل اصولی پروانه ساخت را بردارند.

در ادامه محمدرضا عباسیان درباره حذف پروانه ساخت مطرح کرد: صحبت‌های آقای سجاده‌چی کاملا درست بود. فرق تولید سریال و سینمایی در نمایش خانگی با روزنامه و رسانه چاپی در این است که برای یک فیلم سینمایی تهیه‌کننده ۶۰\_۷۰ میلیارد تومان سرمایه‌گذاری می‌کند و برای سریال این مبلغ از کف ۵۰ میلیارد شروع می‌شود. همچنین همیشه در سینمای مستند و داستانی دوستان توقع نگاه حمایتی داشتند. نکته صحیح آقای سجاده‌چی این بود که تهیه‌کننده زیربار نمی‌رود چراکه ریسک بالایی است پولی که سرمایه‌گذاری شده، برنگردد. در اصل کسانی که پروانه ساخت می‌گیرند و با تغییرات اساسی فیلم‌شان را می‌سازند، امیدشان همین تضمین پروانه ساخت و از بین نرفتن سرمایه‌شان است.

وی افزود: شعار آخرین دولت مستقر هم این بود که مشکل پروانه ساخت را حل کرده و هدف اصلی‌ هم کمک به اقتصاد سینما بود تا سرمایه‌گذاران برگه‌ای متعهدانه داشته باشند که فیلمشان روی پرده سینما می‌رود. من موافق حذف پروانه ساخت هستم به شرطی که ریسک‌پذیری وجود داشته باشد. در تلویزیون هم اینگونه بود و مدیران پیشنهاد می‌دادند که تهیه‌کنندگان از زمان تولید حضور داشته باشند و برنامه ساخته شده را تحویل ندهند. برای تولید فیلم در پلتفرم‌ها یا تلویزیون اگر کار از مرحله فیلمنامه جلو برود، اطمینان‌شان بیشتر است تا زمانی که با سرمایه شخصی فیلمی تولید کنند و از استاندارد پایین‌تر باشد. در واقع چه پروانه ساخت در وزارت ارشاد و چه انعقاد قرارداد تولید، ضریب امنیت را برای تهیه‌کننده بالا می‌برد.

در ادامه این بحث عباس نادران نیز بیان کرد: من با فرمایش دوستان که معتقدند تهیه‌کنندگان موافق حذف پروانه ساخت نیستند، مخالفم. ابتدا باید این سوال را مطرح کرد که کارکرد پروانه ساخت برای سازمان سینمایی و دولت‌ها چیست؟ پروانه ساخت مهمترین ابزار برای سوگیری و جهت‌دهی به سینماست. هیچ دولتی به این راحتی این ابزار را کنار را نمی‌گذارد. دولت ناگهان تصمیم می‌گیرد به اصطلاح شیرفلکه سینمای اجتماعی را ببندد و چندین کمدی پُرفروش را پشت در اکران تلنبار کند. پروانه ساخت یک دست‌آویز خوب و ورق مهمی برای سازمان سینمایی است.

نادران ادامه داد: برای تهیه‌کنندگان قطعا نظرات متفاوت است. همواره این خطر وجود دارد که با تغییر دولت و رویکرد وزارت ارشاد تکلیف فیلم معلوم نیست که آیا فیلم ساخته شده از خط قرمز رد شده است یا نه. ایده شکل گرفته که پروانه ساخت حذف شود در صورتی است که یک آیین‌نامه شفاف مصداقی داشته باشیم و قانون مشخصی وجود داشته باشد که در فیلم اعمال سلیقه نمی‌شود. نکته دوم توسعه سینمای زیرزمینی در جهان و به ویژه ایران است که با توجه به آن این سوال مطرح می‌شود که با این شرایط پروانه ساخت به حیات خود ادامه می‌دهد یا خیر؟ البته که نهادهای رسمی این موضوع را تکذیب می‌کنند اما واقعیت رویه‌ دیگری را نشان می‌دهد. من تهیه‌کننده معتقدم سری را که درد نمی‌کند، چرا دستمال ببندم؟ من زمانی در این زمین بازی وارد می‌شوم که اگر با مسئولیت خودم و بر اساس آیین‌نامه فیلمی را ساختم، دچار اعمال سلیقه شخصی در تغییر دولت و مدیران نشوم.

امیر قادری یادآور شد: باید گفت زمانی که پروانه ساخت نباشد، دولت ابزارهای دیگری مانند بودجه را برای در اختیار گذاشتن به دست اندرکاران سینما دارد. از آقای امیررضا مافی می‌خواهم که درباره این مساله صحبت کند.

امیررضا مافی درباره این مساله مطرح کرد: من حتما به لحاظ تئوریک معتقدم که پروانه ساخت حذف شود. ما در شیوه حکمرانی فرهنگی‌مان مسایل بسیار مهمی داریم. یکی از مهمترین مسایل ما این است که هنوز می‌خواهیم با شیوه‌های سنتی جریان امروز را اداره کنیم و این موضوع در تمام حوزه‌ها به همین شکل دیده می‌شود. در حال حاضر شرایط به نحوی نیست که ما یک نهاد مهارگر باشیم بلکه باید نهاد تنظیم‌گر باشیم. در تنظیم‌گری هم ابزارهایی که شما مثال زدید، امروز اثرگذار نیست چراکه تعداد زیادی آثار زیرزمینی امروز در ایران تولید شده است. اتفاقا من مخالف واژه قاچاق برای این فیلم‌ها هستم، چون ما قانونی درباره این موضوع نداریم تا بگوییم کسی خلاف قانون رفتار کرده است. در نتیجه پروانه ساخت در این شرایط اساسا بی‌معنی است و اگر برای آن تصمیم نگیریم تبدیل به قانون مشروطی می‌شود که نتوان از آن بهره کافی برد. ما قبل از این اتفاق باید برای پروانه ساخت راه علاج پیدا کنیم. بر اساس صحبت‌های عباس نادران درباره اینکه ما باید نظام‌نامه روشنی داشته باشیم، بسیار صحیح بود. دلیل نبود این آیین‌نامه روشن این است که ما در حکمرانی فرهنگی‌مان رفتار سیاسی داریم؛ یعنی نگاه ایدئولوژیک مدیران به مسایل در دوره‌های مختلف متفاوت است. سیاست‌ورزی در عرصه فرهنگ امر خوبی اما سیاست‌زدگی که موجب سلیقه‌محوری می‌شود، امر بدی است.

مافی ادامه داد: قانون پروانه ساخت اساسا متروک است و از بین می‌رود. من حتی به شما قول می‌‌دهم که با توسعه پلتفرم‌های جهانی در آینده هم به پروانه نمایش نیازی نیست چون فیلم‌ها به پرده نمایش نیازی ندارند و فیلمسازان می‌توانند در عرصه جهانی فیلمشان را اکران و حتی درآمد کسب کنند. نهاد مهارگر در شرایطی به نهاد تنظیم‌گر تبدیل می‌شود که ما نگاه ایدئولوژیک به مفهوم فرهنگ را تغییر دهیم؛ به این معنا که مسایل به نفع قدرت پیش نرود. این موضوع در فرهنگ خلل غیرقابل پوششی ایجاد می‌کند لذا در فرهنگ یکی از مهمترین موارد شفافیت این است که دستورالعمل به شکل صریح اعلام شود، اما به نحو ایجابی اصلا امکان چنین چیزی در جهان امروز وجود ندارد.

وی تصریح کرد: باید گفت که نهاد تنظیم‌گر نهاد مسئولی در کشور است؛ به عنوان مثال نهاد خصوصی نمی‌خواهد درباره قهرمانان ملی کشور فیلم بسازد اما نهاد مسئول با بودجه عمومی باید وظیفه‌اش را انجام دهد و برای مفاخرش آثار بسازد حتی اگر در سینما فروشی نداشته باشد. این کار برای تاریخ نیاز است. اما غیر از این می‌توانیم سلیقه سینماها را هم تقسیم کنیم. ما امروزه یک تنوع و تکثر فرهنگی داریم که به شکاف می‌زند. پس در شرایط امروز ما باید محیط‌هایی را که مردم در آن فیلم می‌بینند، متنوع کنیم و این کار دولت است چراکه وظیفه‌اش تنظیم‌گری است.

مافی افزود: شکاف‌های ما در عرصه اجتماع معلول شکاف‌های ما در عرصه سیاسی است. زمانی که در عرصه سیاسی همچنان تعریف واحدی از انقلاب‌گرا، اصول‌گرا و جبهه روشنی نداشته باشیم، حتما در عرصه فرهنگ به عنوان مولود سیاست‌ورزی نمی‌توانیم چنین چیزی داشته باشیم. فرهنگ مولود سیاست نیست و امر رشیدی است اما در شرایط فعلی و به واسطه سیاست‌زدگی ما، حتما هر پدیده فرهنگی ذیل امر سیاسی و سیاست‌زده تعریف می‌شود. لذا تا زمانی که نتوانیم این شکاف‌ها را حل کنیم، نهادهای تنظیم‌گر نمی‌توانند کار ایجابی کنند و تنها به کار سلبی روی می‌آوردند.

امیر قادری در ادامه این پرسش را مطرح کرد: برخی سینماگران موسوم به سینمای اجتماعی مسایلی مطرح شد که علت درخواست نکردن پروانه ساخت متغیر بودن جامعه و از نظر من رو به تحول است و فیلمسازان نمی‌دانند سراغ چه سوژه‌های که مبتلا به این اجتماع بروند. به نظر شما باید و نبایدهای فعلی سینما چیست و آیا این‌ موارد همچنان می‌تواند خواست تماشاگر امروز را نمایندگی می‌کند؟ آیا جامعه امروز ایران در این حوزه باید و نبایدها می‌تواند کار خودش را انجام بدهد و امیدوار باشد که از نسل z تا پدران ما ارتباط برقرار کند؟

عباس نادران در ادامه این نشست گفت: به نظر من پروانه ساخت ترمز سینمای ایران است و وزارت فرهنگ نه به عنوان یک سازمان بلکه به عنوان نماینده حاکمیت روی ماجرا کنترل‌گری دارد. پروانه ساخت یک دست‌انداز بزرگ برای آینده سینمای ایران است که تماما برای سیستم حاکمیت هزینه دارد. من معتقدم که ای کاش در سیستم فرهنگی کشور ما یک قوه عاقله وجود داشت و این هزینه‌تراشی را برای خودش ایجاد نمی‌کرد. نکته دیگر بحث کنترل‌گری است؛ شما در پروانه ساخت می‌توانید اظهارنظر کنید اما متر و معیار خاصی ندارد. متاسفانه من حتی شاهد این بودم که بنا به موقعیت اجتماعی از ما خواستند که در فیلم‌هایمان قهرمان زن را به قهرمان مرد تبدیل کنیم.

وی افزود: بزرگترین مشکل سینمای ایران در حال حاضر دارد و علت عدم حضورش در عرصه بین الملل این است که در فیلم‌هایمان اجازه بازتولید تصویر قهرمان را نمی‌دهیم؛ گویا ما نمی‌خواهیم «قیصر» و «آژانس شیشه‌ای» ساخته شود. دلیل این کار دستور از بالا نیست بلکه رویکرد مدیران ترسویی است که ترجیح می‌دهند در دوره‌ مدیریت خود محتاط عمل کنند تا اتفاقی نیفتد، برای همین است که با سینمای بی‌خاصیت و اخته‌ای مواجه می‌شویم که کاری نمی‌کند و ترجیح می‌دهند سینمای کمدی داشته باشند که صرفا فروش آن به وزیر ارشاد سوتفاهم رییس جمهور شدن بدهد. این جذاب تر از این است که فیلمی داشته باشیم که در جامعه کُنش ایجاد کند و به مردم روحیه ایستادگی بدهد.

نادران تاکید کرد: در سینمای خارجی به معنای واقعی جریان سینمای بدنه وجود دارد که رویکرد سیاسی خود را یعنی حمله به افغانستان، حمله به عراق و ... را با قهرمانان ملی به همه دنیا نشان می‌دهد. حتی ممکن است این فیلم‌ها در خود آمریکا طرفدار چندانی نداشته باشند اما با هدف مخاطب خاورمیانه و آسیای دور ساخته می‌شود. مدیران ما در این سال‌ها اصلا چنین دغدغه‌ای نداشتند. ارتباط این با پروانه ساخت آنجایی است که شما با یک شورایی طرف هستید که ترجیح می‌دهد فیلمنامه‌اش انقدر قیچی شود که فیلمساز فیلم خودش را تشخیص ندهد. در واقع وجود پروانه ساخت تقویت و تایید ‌کننده و بهادهنده فیلم‌های زیرزمینی است.

امیر قادری بیان کرد: از نظر من یکی از مهمترین علل‌های عدم وجود قهرمان این است که خود هنرمندان ما تجربه قهرمانی ندارند تا بخواهند آن را در آثارشان نشان دهند. هنرمندان ما آن درک لازم از دنیا را ندارند برای همین نمی‌تواند قهرمان خلق کند؛ مگر اینکه توخالی باشد.

سجاده‌چی در ادامه بیان کرد: کسی که فیلم جنگی می‌سازد، مگر طرفدار جنگ است؟ منظور از قهرمان آدم قوی نیست، بلکه کسی است که ساختارشکن است. آقای مافی امر فرهنگ را ذیل امر سیاست تعریف کردند که از نظر من بی‌معناست، من همه چیز را فرهنگی می‌دانم و معتقدم گاهی پدیده‌های فرهنگی ‌مانند سیاست و دین حاکمیت پیدا می‌کنند اما در واقع اَشکالی از فرهنگ هستند. درباره قهرمان در داستان باید گفت که خود شخص آقای خامنه‌ای اجازه ساخت «آژانس شیشه‌ای» را به این شکل دادند. قهرمان برایش دولت مستقر یا شهروندان مهم نیست، او می‌خواهد حق خودش را بگیرد ولو اینکه تلاشش بیهوده باشد.

عباسیان درباره گرفتن پروانه ساخت «آژانس شیشه‌ای» مطرح کرد: شایان ذکر است که فیلمنامه آژانس شیشه‌ای پروانه ساخت نگرفته بود تا اینکه به دست حضرت آقا رسید و ایشان اجازه ساخت دادند. ما اگر از آینده سینمای ایران صحبت می‌کنیم باید این نکته را حتما ذکر کنیم که این سینمای بدون قهرمان کمدی حتما ادامه‌ای نخواهد داشت.

وی درباره معیارهای مجوز سینمای ایران و اینکه آیا چارچوب سینمای ایران می‌تواند پاسخگو به نیاز امروز مردم باشد، بیان کرد: من از دو منظر به این موضوع نگاه می‌کنم. یک جامعه سینمایی را تصور کنید که در آن پروانه ساخت و پروانه نمایش وجود ندارد و آنقدر آزادی هست که هرکس هر فیلمی را که می‌خواهد، می‌سازد و آن را روی پرده سینما اکران کند. بعد از دو سال و بدون نهادهای دولتی ما چه چیزی خواهیم داشت؟ در حال حاضر ما مشابه این سرمایه‌گذار صرفا اقتصادی را در پلتفرم‌‌ها داریم که اتفاقا رقیب جدی برای سینما شده‌اند چراکه پروانه ساخت را جدی نمی‌گیرند و پروانه نمایش هم رسما صادر نمی‌شود. من فکر می‌کنم بدون دخالت دولت ما سینمای اجتماعی را نخواهیم داشت، چون در گیشه فروش نمی‌رود.

مهدی سجاده‌چی در ارتباط با صحبت‌ها عباسیان عنوان کرد: قبل از ۱۳۵۷ چیزی به اسم پروانه ساخت وجود نداشت بلکه پروانه نمایش داشتیم. در وزارت فرهنگ کمیسیونی با نماینگان مختلف برای اکران وجود داشت که حتی نماینده ساواک هم در آن جمع بود.

عباس نادران مطرح کرد: بازار تکلیف را معلوم می‌کند. در بازاری که «گنج قارون» می‌فروشد، باید معادله‌ای پیدا کنیم و فیلم اجتماعی جدی بسازیم که سینمادار پرده را در اختیارمان قرار دهد. این تهیه‌کننده است که باید مسئولیت تمام این موضوع را قبول کند. اگر نمی‌توان فیلمی را جوری ساخت که مخاطب عام را به سینما بکشاند، نباید فیلم ساخت. من معتقدم که سیاست «آسمان باز» حوزه هنری در دهه ۷۰ باید جمع شود.

امیر قادری اظهار کرد: آیا پیش فرض شما این نیست که مخاطب فقط محصول مبتذل می‌پسندد؟ عباسیان در پاسخ به این سوال گفت: مدتی پیش مطالعه‌ای داشتم درباره این مساله که چند سال اخیر چند فیلم حال خوب کن ساخته شده است؟ قبلا ممکن بود سالی سه فیلم داشته باشیم. البته که بخشی از دست اندرکاران سینما قهر کرده‌اند اما در بخش دیگر که سرمایه‌گذار شخصی وارد شده است، چقدر این دفاتر برای فیلم‌های اجتماعی که سینمادار هم برایش تمایلی ندارد، می‌تواند ریسک و سرمایه‌اش را وارد کند؟

در ادامه این نشست، مهدی سجاده‌چی اظهار کرد: سینما پدیده‌ای است که باید به لحاظ اقتصادی توجیه داشته باشد. تا کی حاکمیت باید پول سینما را بدهد؟ تا زمانی که تماشاگر مطمئن شود که حاکمیت در ازای این فیلم‌ها هیچ انتظار و توقعی ندارد. در دو تا سه سال اخیر فیلم‌هایی اکران شد که جزو سینمای ما نبود. چنین فیلم‌هایی به هیچ وجه امکان ساخت و پخش در یک دولت اصولگرا را نداشتند. اما شرایط کشور به نحوی پیش رفت که سالن‌های سینما و کنسرت و... خالی شدند، برای پُر کردن سالن‌ها به هر راهی دست زدند ولو اینکه فیلم‌هایی با شوخی‌های جنسی زیاد اکران شود.

وی افزود: یکی از نقدهایی که من به برخی از فیلم‌های سینمای ایران دارم این است که همه مردهای بازیگر ما باید رقاص باشند. بله؛ آلپاچینو هم می‌رقصد اما منظور من این است که چرا باید برای کشاندن تماشاگر به سالن سینما به رقاصی فکر کنیم؟ ما در دوره‌ای به سر می‌‌بریم که فیلمسازهای جدی ما به شدت از قضاوت شدن پرهیز می‌کنند و می‌ترسند. در واقع جرئت نمی‌کنند مثل زمان‌های قدیم فیلم بسازند و درباره یک موضوع و دغدغه اخلاقی مهم حرف بزنند. نمونه‌اش این است که آخرین اثر اصغر فرهادی، یعنی فیلم «قهرمان» بسیار کم فروخت. ما در دوره‌ای هستیم که احتمال دارد با توجه به شرایط سیاسی وجود آمده ممکن است به دوره تعادل برگردیم.

سجاده‌چی در پاسخ به این پرسش که آیا با معیارهای دولت قبلی به عنوان مثال سالهای 96 تا 1400 می‌توان فیلم اجتماعی ساخت، بیان کرد: اصلا. دولت همیشه عقب‌تر از سینماگر است. الان سینماگران هستند که باید فیلم بسازند و بدانند فیلم اجتماعی نباید الزاما بدبختی را نشان دهد. معیارهای سازمان سینمایی بسیار قدیمی و منسوخ است. البته باید این نکته را گفت که معیارهای مشخص، خود آغاز دعواست. هنر با تشخص و مرز گذاشتن تعریف نمی‌شود و انتخاب معیار مشخص آغاز چالش جدیدی است. حرف آخر من این است که اصولا دولت تا حد ممکن باید نظام سینمایی تعریف کند و تا حد امکان تنظیم‌گر باشد.

عباس نادران نیز درباره این مساله عنوان کرد: اگر دوستان اجازه می‌دادند «قاتل و وحشی» حمید نعمت اله اکران می‌شد، پای جماعتی که می‌خواهند فیلم خوب ببینند به سینما باز می‌شد چراکه با یک فیلم اجتماعی جسور و رو به جلو مواجه می‌شدند. نمی‌توان با شیرفلکه پروانه ساخت اجازه تولید و تکرار «قاتل و وحشی»‌‌ها را داد.

در ادامه امیررضا مافی تصریح کرد: هر قدر نظام‌نامه‌ها شفاف‌تر باشند، قضاوت‌های صنفی و طیفی و همچنین گروهی را سخت‌تر می‌کند. من معتقدم که فرهنگ ذیل سیاست است و باید گفت که هیچ انسان غیرسیاسی وجود ندارد اما می‌تواند سیاست‌زده نباشد‌‌. زمانی که تعصب بورزیم، سیاست‌زده هستیم. لذا فرهنگ نیل به جهت سیاسی دارد و امکان ندارد فرهنگ بدون جهت سیاسی حرکت کند. چیزی که ما در فرهنگ با آن مواجه هستیم ابتذال امر سیاسی و رشد سیاست‌زدگی است.

وی یادآور شد: ما امروز در فضای کاملا استادیومی بین دو طیف قرار داریم و بیش از اینکه از پیروزی تیم خودمان خوشحال باشیم، از شکست تیم رقیب خوشحالیم. دلیلش این است که ما ایده مرکزی را شکل نداده‌ایم و زمانی که گفت‌وگو شکل نداده باشیم، گفتمان هم شکل نمی‌گیرد. ما امروز دچار بحران‌های سیاست‌زدگی هستیم که به وسیله آن فروش بالای فیلم‌هایمان را تفسیر به خوب می‌کنیم و یا با سیاست‌زدگی آن را رد می‌کنیم‌. آقای عباسیان معتقد است که اگر اینطور نباشد وضع سینما خوب می‌شود؛ در واقع در دلش این دیدگاه نهفته است که معتقد است رها کردن کامل پروانه ساخت به اقتصاد بازار نمی‌انجامد. شایان ذکر است که اساسا عرصه فرهنگ پاسخ غایی ندارد و در مسیرش تعریف می‌شود.

مافی ادامه داد: فهم من این است که در شرایط کنونی جهان و اقتصاد دیجیتال، حتی پرده سینما هم معنای سابق را ندارد چرا که به پرده احتیاجی نیست؛ وقتی می‌توان با ابرگزاری فیلم دریوتیوب به درآمد رسید. باید این سوال مطرح شود که در این شرایط تکنولوژی و چارچوب‌مندی که ما را از خودمان تهی می‌کند، آیا نظامات عصر مدرن می‌تواند به ما حاکم باشد؟ خیر. در عمل ما حتما باید به نظامات جدید بیندیشیم، نظامات جدید معلول این تکثر هستند که حتما باید پاسداشته شود.

وی در جواب به این سوال که آیا معیارهای سینمای ایران تاریخ گذشته شده است، بیان کرد: من در حال حاضر نمی‌توانم درباره معیارها نظر دهم، چون اساسا معیاری وجود ندارد. من اگر در شورای پروانه ساخت باشم جوری نگاه می‌کنم، شما جور دیگری. ما نگهبان یکسری قوانین و معیارها نیستیم. از سوی دیگر پروانه ساخت و پروانه نمایش بسیار شبیه شورای تصویب یا رد فیلمنامه در نهادهای مختلف است. سلقه و نگاه من نوعی موثر است حالا یک وزیر یا رییس سازمان سینمایی در پروانه ساخت یا پروانه نمایش بنا بر مشی سیاست زده یا پشتوانه ایدئولوژیک خود افرادی را انتخاب می‌کنند که اعمال نظر و سلیقه کنند.

مافی تاکید کرد: ما در کشوری زندگی می‌‌کنیم که شخص اول کشور به «آدم برفی» اجازه اکران می‌دهد اما این فیلم در چرخه مدیران میانی به مشکل می‌خورد و یا برای ساخته شدن فیلمنامه «آژانس شیشه‌ای» باز هم این شخص اول مملکت است که باید دخالت کند و این وضعیت برای بدنه مدیران سینمایی، خیلی فاجعه است. این که نگاه خوب اعمال شود، بسیار خوب است اما سازوکار اشکال دارد. ما درباره پروانه نمایش باید یک نگاه اکنون، میان‌مدت و بلند مدت داشته باشیم. نگاه اکنون یعنی اینکه بیش از یک سوم سالن سینماهای کشور دولتی هستند، آیا ما می‌توانیم همه این‌ها را واگذار کنیم؟ این کار فرآیند زمان‌بری است. حال اگر ما این کار را انجام دادیم، به سمت اقتصاد بازار رفتیم و فیلم‌های مرتبط با شهدای ما پشت ترافیک فیلم کمدی ماند، چه کار کنیم؟ نه تنها در ایران بلکه در همه جای جهان دولت‌ها در تولید آثار ملی دخالت می‌کنند.

وی ادامه داد: هیچ‌کس امروز نمی‌گوید پروانه نمایش حذف شود همانطور که هیچ کس از ممیزی کتاب هنوز فریاد برنیاورده است. در بلندمدت چه اتفاقی می‌افتد؟ ما باید یک نظر سلبی داشته باشیم. چیزی که خطرناک است، این است که ما انکار وضع موجود می‌کنیم. در شرایط موجود ما باید شجاعت داشته باشیم و بگوییم که با پروانه ساخت امکان این را به ملت نمی‌دهیم که فیلم ببینند؟ مگر دوران فارابی‌ست که بروند دوربین کرایه بدهند؟ طرف با دوربین گوشی آیفون خود می‌تواند یک فیلم بسازد. صداگذاری می‌کند و به جشنواره خارجی می‌فرستد. چه کسی می‌خواهد جلوی آن را بگیرد؟ با کدام قانون؟

امیر قادری مطرح کرد: ما در جامعه متکثری زندگی می‌کنیم که آدم‌ها معیارهای مختلفی دارند. آیا باتوجه به این می‌توانیم سازوکاری پیشنهاد کنیم که بیاید سانسور را هم کم کم به دوش همین خود جامعه بندازیم؟

مافی گفت: با شرایط کنونی نه. ما در این شرایط قرار نداریم.

قادری مطرح کرد: چرا فکر می‌کنید که نمی‌شود؟

مافی ادامه داد: یک پلتفرمی در کشور راه می‌افتاد به اسم «بلبل جان». عده‌ کثیری از مردم فیلم‌های روز جهان را روی آن می‌بینند. کارزاری در خبرگزاری فارس راه می‌افتد که این را فیلتر کنید و فیلتر که شد کل مدیران حزب‌اللهی، رفیقان ما می‌گفتند ای بابا چرا این را فیلتر کردند؟ داشتیم فیلم می‌دیدیم ما. حالا باید دانلود کنیم. بلافاصله مووی جوان را آوردند.

قادری گفت: فکر نمی‌کنید همین یک فرقی بین‌شان است؟ نیروی فارس مخالفت می‌کند. یک گروه دیگر اصلا شما بگو از داخل حاکمیت نه.

مافی توضیح داد: برای همین است که می‌گویم امروز نمی‌توانیم سانسور را برعهده مخاطب بگذاریم. ما هنوز در نظام رده بندی سنی مشکل داریم. آن موقع که من در تلویزیون مسئولیت داشتم، سال ۹۵، ما هفته فیلم وحشت را داشتیم در شبکه تهران و شاینینگ کوبریک را نشان دادیم. برای اینکه نظام طبقه بندی سنی را به مخاطب آموزش بدهیم.  اولین شبکه اچ دی تلویزیون بودیم. ما با شاینینگ کوبریک شروع کردیم و شب بیست و نهم تا به مخاطب یاد بدهیم که وقتی برای این فیلم زده منفی هفده سال، بچه‌تان نباید فیلم را ببیند. می‌خواهم بگویم که ما هنوز از نظر فرهنگی به نظام رده‌بندی سنی نرسیده‌ایم تا بعد از آن به مرحله بعدی برویم. ما همچنان در شرایطی هستیم که مردم ما مدام درباره هر پدیده‌ای از دولت متوقع هستند.

قادری توضیح داد: ما باید به جای سانسور به سمت درجه‌بندی برویم و اینکه من نظر شخصی خودم را می‌گویم که به جای سانسور، باید درجه‌بندی کنیم و به جای اینکه از بالا به پایین تحمیل شود، توسط خود گروه‌های مردمی اتفاق بیفتد، خیلی بهتر است. نظر شما درباره این موضوع چیست؟

در ادامه مهدی سجاده‌چی توضیح داد: به نظر می‌رسد این مساله انکارناپذیر است. همه این را می‌گویند که به سمتی می‌رویم که این اتفاق بیفتد. مثلا فرض کنید در درجه بندی هم تغییر اتفاق می‌افتد و یکسان نمی‌ماند. زمان می‌گذرد و مثلا فیلمی که زمانی برای زیر هجده سال ترسناک بوده است، عوض شده و برای برخی عادی به نظر بیاید. ظاهرا اینطور به نظر می‌آید که همه دنیا نیازمند یک قواعدی برای کارهای سینمایی هستند که اصلا وارد ماهیت اثر و سینمایی نمی‌شوند. قواعد شکلی دارد و همه دنیا آن را قبول دارند. اما همه می‌دانند که این صفر و صد نیست و لزومی ندارد شما از تمام اجزای این محافظت کنید.

وی ادامه داد: از سوی دیگر پدیده‌ای مثل اینترنت را نمی‌توان کاملا کنترل کرد. اما به نظر می‌آید که به تدریج باید مهربان‌تر باشیم. من یک بار به یکی از دوستان روحانی خود گفتم شما یک مشکلی دارید که پس ذهنتان می‌گویید مردم پررو شده‌اند. این مسایل را از ذهن خود بیرون بریزید و به مردم بیشتر اعتماد کنید. در واقع حاکمیت باید نگاهش مردمی‌تر شود و گردن مردم نیندازد. قطعا هر دو طرف مرتکب خطاهای بسیاری می‌شوند ولی نباید آنقدر ترسو باشیم. هرچه شرایط بیشتر به سمت ارتباط بهتر حاکمیت با مردم برود، سینما هم در این وسط بهره خودش را می‌برد.

امیررضا مافی مطرح کرد: من قویا معتقدم که دولت همچنان باید دخالت کند به ویژه در صدور پروانه نمایش. یک دلیل جدی اجتماعی برای این موضوع دارم؛ ما در وضعیت تکثر پیچیده فرهنگی هستیم که این تکثر پیچیده شکاف‌های جدی و گسل‌های فراوان معرفتی را ایجاد کرده است. یعنی ما امروز انواع اقسام آدم‌ها با تفکرات مختلف را داریم. یک جمله‌ای از من تیتر شد و این بود که اگر من مدیر سینمایی بودم، نمی‌گذاشتم فیلم «عامه‌پسند» اکران شود. هنوز هم معتقدم که فیلم «شیشلیک» محمدحسین مهدویان نباید اکران شود و در این باره بحث کرده‌ام‌‌. آن‌چیزی که در غرب رخ می‌دهد این است که ما در مناظره رییس جمهور آمریکا می‌بینیم که آقای بایدن و ترامپ درباره رابطه‌شان صحبت می‌کنند و خود آمریکایی‌‌ها به فردی رای می‌دهند که قمارباز است و با کسی رابطه داشته است. شرایط فرهنگی مردم آن جامعه یک‌دست‌تر از جامعه ما است. جامعه ما همچنان نیاز دارد که دولت دخالت کند.

در ادامه عباس نادران در پاسخ به این پرسش که آیا می‌توان بخشی از سانسور سینما را به دوش مخاطب منتقل کرد، مطرح کرد: اینکه ما درباره پروانه ساخت صحبت کردیم، این ذهنیت را ایجاد نکند که اساس ممیزی‌هایی که در پروانه ساخت وجود دارد لزوما درباره مسایل جنسی یا رعایت نکردن شئونات است بلکه در چندسال اخیر پروژه‌هایی داریم که مذهبی بوده‌اند و به مشکل خوردند. مثلا پروژه آقای درویش درباره عاشورا است. ساخته می‌شود و به دلیل اعمال نفوذ دسته‌ای، مهم‌ترین فیلمی که پس از روز واقعه و درباره عاشورا ساخته شده است، به محاق توقیف می‌رود و پرونده‌اش بسته می‌شود. این مساله یعنی اینکه پروانه ساخت این فیلم ارزشی نداشته است. دلیلش این است که مدیران فرهنگی ما همانگونه که جسارت خلق فیلم‌های قهرمان‌محور را ندارند، جسارت ایستادن پای امضای خودشان را هم ندارند.

وی ادامه داد: درباره بخش دوم باید بگویم که حداقل نفرات اول انقلاب اسلامی رویکرد و شعارشان این بوده است که ما در مواجهات سیاسی و اجتماعی باید به مردم اعتماد کنیم. وقتی نفر اول سیاسی کشور این درک و شعور را در عامه مردم می‌بیند اما مدیران رده میانی کشور این درک را ندارند. یکی از دلایل این موضوع منافع گروهی، حزبی و سیاسی است یعنی تو نمی‌توانی طبقه اجتماعی متوسط را مهار کنی و برایش حلقه‌ کنترل‌گری بگذاری زیرا در عصر جدید بشر چنین چیزی را به رسمیت نمی‌شناسد.

امیر قادری بیان کرد: این نگاه که مردم نمی‌فهمند و نمی‌توان به مردم اعتماد کرد، یک قدمتی دارد. هم نگاه چپ و هم نگاه ارزشی چنین دیدگاهی دارند.

نادران ادامه داد: حداقل پس از انقلاب اسلامی ادعای اعتماد به مردم در گفتمان رسمی کشور وجود دارد و از مدیران فرهنگی پس از انقلاب انتظار می‌رفت که به اتکای این اعتماد رهبران انقلاب اجازه دهند که مردم تجربه کنند. به عقیده من اگر پروانه ساخت حذف شود، ایده آل این است که بازار تعیین می‌کند چه اتفاقی رخ دهد. بازار یعنی اینکه فیلمساز روشنفکر ما باید فیلمی بسازد که با مخاطب عام کف خیابان ارتباط برقرار کند. اگر شخصی نمی‌تواند چنین فیلمی بسازد، ایراد از فیلمساز است که گفتمان نسل z را نمی‌شناسد.

امیر قادری گفت: منظور شما از مخاطب عام این است که هر فیلمسازی مخاطب خودش را دارد. مهم این است که برای مخاطبش فیلم بسازد.

مهدی سجاده‌چی خاطرنشان کرد: یعنی اگر کسی برای مردم کف خیابان فیلم می‌سازد، بودجه خودش را دارد و کسی که برای اقلیت فیلم می‌سازد، هم بودجه خودش را دارد.

عباس نادران گفت: در هالیوود مسئولیت یک فیلم از ابتدا تا انتها با تهیه‌کننده است یعنی وقتی یک فیلم برای تعداد محدودی می‌سازی، تهیه‌کننده باید شکست در گیشه را گردن بگیرد. اکنون معضل سینمای ایران نبود تهیه‌کنندگانی است که مسئولیت بپذیرند.

در ادامه نشست، محمدرضا عباسیان درباره رده بندی سنی بیان کرد: اکنون احسان علیخانی فصل دوم «جوکر» را در حال پخش از یکی از پلتفرم‌ها دارد. بالاترین رده‌بندی ما ۱۸ سال است اما من فصل دوم «جوکر» را با دختر 25 ساله یا پسر ۲۲ ساله‌ام نمی‌توانم تماشا کنم. حتی با پدر ۸۰ ساله‌ام هم نمی‌توانم تماشا کنم. پس ما نمی‌توانیم همه چیز را به مخاطب بسپاریم و بگوییم برو هرکاری دلت می‌خواهد بکن زیرا معیار فرهنگی خودمان را داریم.

امیر قادری مطرح کرد: فکر نمی‌کنید که خود مخاطب وقتی گزینه‌های مختلف باکیفیت دارد، خودش دیگر «جوکر» را برای تماشا کردن انتخاب نمی‌کند؟

عباسیان ادامه داد: مانند این است که روی کارخانه لبنیات نظارت نکنیم و وقتی که یک محصول فاسد تولید کرد و چند نفر مردند حالا نظارت کنیم. رده‌بندی فیلم‌ها چیزی است که اخیرا زیاد مطرح می‌شود و می‌گویند که می‌توانیم فیلم‌ها را رده‌بندی کنیم و مقایسه می‌کنیم با غرب درحالی که رده‌بندی در کشور ما به دلیل فرهنگ عمومی ما کاملا متفاوت است. درنتیجه ما رده‌بندی فیلم را به شکلی که در غرب وجود دارد، نمی‌توانیم انجام دهیم.

وی تاکید کرد: درباره آیین‌نامه‌ها نیز بله ما هیچ آیین‌نامه‌ای در شوراها نداریم. نه در شورای پروانه ساخت و پروانه نمایش وزارت ارشاد و نه صداوسیمایی که نظام ۳۰\_ ۴۰ ساله دارد. هیچ کتابچه‌ای ندارند که به شما بگویند این چیزها را می‌توانی استفاده کنی و این چیزها را نمی‌توانی. کاملا به بازبینی که آن شب کار تو را تماشا می‌کند، بستگی دارد. این مشکلی هست که کاملا سلیقه افرادی که در شوراها حضور دارند، دخیل است و هیچ آیین‌نامه ای وجود ندارد‌. پروانه ساخت که هیچ بلکه می‌تواند پروانه نمایش هم برداشته شود به شرطی که جریمه و پنالتی هم به صورت جدی اعمال شود. یعنی اگر تهیه‌کننده‌ای فیلمی را ساخت و پخش کرد که یک‌سری موارد را رعایت نکرد، جریمه حداکثری را پرداخت کند.

عباس نادران گفت: البته اصلا به جریمه نمی‌رسد و مساله‌ای ندارد‌ چون شما سینمادار هستید یعنی از طرف دولت موکل اکران هستید.

محمدرضا عباسیان ادامه داد: این دلیل نمی‌شود. یک سینمادار دولتی در تهران می‌گفت که خداراشکر که «فسیل» اکران شد زیرا من نتوانسته بودم حقوق کارکنان چند پردیس را پرداخت کنم.

امیررضا مافی گفت: آقای عباسیان با ایده دوستان یک فیلمی که امروز مروج همجنس‌گرایی باشد، در سینمای ایران تولید می‌شود. اگر با این ایده جلو برویم، بله؛ باید همین فیلم را اکران کنیم و مردم انتخاب کنند. من‌ می‌گویم که ما در شرایط فرهنگ عمومی‌مان این امکان را نداریم یعنی فرهنگ عمومی ما هنوز پذیرای این اتفاق نیست. ممکن است 20 یا ۳۰ سال دیگر تغییر کند.

عباس نادران بیان کرد: ما درباره شرایطی که پیش نیامده است، راحت می‌توانیم صحبت کنیم. در این شرایط فرهنگی ما اجازه ندادیم در حوزه پروانه ساخت و پروانه نمایش گفتمان‌های مختلف اجازه داشته باشند صحبت کنند. من درباره اقلیت‌های جنسی صحبت نمی‌کنم بلکه درباره فیلمی مانند «رستاخیز» و «قاتل و وحشی» صحبت می‌کنم. من می‌گویم ما نباید پیش‌فرضمان این باشد که چون در آمریکا رده‌بندی فیلم آزاد است، پس مردم آمریکا و غرب مردم فهیم‌تری از ایران هستند و ما چون هنوز به این بلوغ سیاسی، اجتماعی و فرهنگی نرسیده‌ایم، نباید اجازه دهیم و وارد این زمین بازی شویم زیرا زمین باخت ما است.

امیر قادری درباره حضور نداشتن فرزاد موتمن توضیح داد: آقای فرزاد موتمن هم سرماخورده‌اند و قرار است در ادامه به جمع ما اضافه شوند. ایشان برای یک نسلی هستند که شاید آموزش و خاستگاه دیگری دارند و اگر بودند این بحث همه‌جانبه‌تر می‌شد. من می‌خواهم در این فاصله از هرکدام از دوستان پرسشی داشته باشم. مهم‌ترین نتیجه ما تا اینجای بحث این است که ما باید تصمیم‌های خیلی متفاوت و بزرگی بگیریم. اکنون سوال من این است که بزرگ‌ترین تهدید و امیدی که از الان به بعد در سینمای ما وجود دارد، چیست؟ یعنی در سال‌های آینده چه تهدیدی بیشتر به سینما ضربه خواهد زد؟ از طرفی به آینده سینما امیدوار هستید؟

محمدرضا عباسیان در پاسخ به سوال میزبان برنامه مطرح کرد: باکمال تاسف باید بگویم که سینمای ایران را بسیار رو به احتضار می‌بینم. حدود ۱۰\_ ۱۲ سال پیش بحث جدی داشتم و بسیارهم مورد هجمه قرار گرفتم. در آن زمان که سینمای نمایش خانگی به تازگی فراگیر شده بود و سریال‌ها به صورت دی‌وی‌دی منتشر می‌شدند گفتم که این موضوع می‌تواند آسیب جدی به هنر \_ صنعت سینمای ما بزند که جزو مفاخر کشور ماست و در برخی از کشورهای دنیا ما را با سینمایمان می‌شناسند. اکنون شرایط خیلی بدتر شده است و باکمال تاسف و عذرخواهی از کسانی که در سینما کار می‌کنند، اکنون کسانی که نمی‌توانند وارد جریان پلتفرم‌ها و پول زیاد آنجا شوند، وارد سینما می‌شوند. من دوسال گذشته عضو هیات انتخاب جشنواره فیلم فجر بودم و اوضاع بسیار خراب است. سال گذشته من ۷۵ فیلم دیدم و واقعا نمی‌توان ۱۰ فیلم چشمگیر معرفی کرد.

امیر قادری گفت: یعنی این فیلم‌ها قدرت این را ندارند که مردم را به سالن‌های سینما بیاورند؟

محمدرضا عباسیان بیان کرد: سالن سینما که هیچ حتی این آثار مردم را پای تلویزیون هم نمی‌توانند بکشند. اوضاع سینما و چشم‌انداز سینما را بسیار بد می‌دانم. این واقعیت وجود دارد که برآیند سینمای ما جشنواره فیلم فجر است و شما می‌بیند فیلمی که دوسال پیش سیمرغ دریافت کرده، اکنون اصلا نیست.

وی ادامه داد: درباره موضوع قهرمان فرصت نشد که صحبت کنیم. آقای نادران می‌گویند که هالیوود قهرمان معرفی می‌کند درحالی که این‌ها قهرمان نیستند بلکه ساخته شده‌اند. رمبو و راکی یک سربازی که در ویتنام حضور داشتند، قهرمان هستند. اکنون سربازان جنگ عراق را نیز قهرمان معرفی می‌کنند درحالی که جنگ عراق تجاوز بود.

مهدی سجاده‌چی مطرح کرد: شما فیلم «اولین خون» را نگاه کنید که یک فیلم کاملا ساختارشکنانه است. جنگ ویتنام را محکوم می‌کند، زشتی‌هایی که از آن جنگ وارد جامعه شده است و مردم آمریکا را که حاضر نیستند این زشتی‌ها را ببینند، محکوم می‌کند. این فیلم‌ها را با فیلم‌هایی که صرفا جنبه اقتصادی دارند، مقایسه نکنید.

محمدرضا عباسیان گفت: من می‌گویم که آن‌ها قهرمانی را که ندارند، هم‌ قهرمان می‌سازند و معرفی می‌کنند. ما قهرمانی را که داریم آن‌طور که باید و شاید به مردم معرفی نکرده‌ایم.‌ هرچند که در اکران موفق نباشند. آن بخشی که باید حمایت‌ فرهنگی کند، باید از این نوع فیلم‌ها حمایت کنند.

امیر قادری گفت: شما نقطه امیدی در سینما می‌بینید؟

عباسیان پاسخ داد: تقریبا در ۱۳ سال گذشته نزدیک به 1000 فیلم ساخته شده است. اگر در گذشته فیلم چشمگیری که حالت را خوب بکند وجود داشته است اما در ۱۳ سال گذشته به ۲۰ فیلم‌ نمی‌رسد! که این نگران کننده است. متاسفانه واقعیتی که ما می‌بینیم خیلی امیدوار کننده نیست.

در ادامه این نشست، عباس نادران مطرح کرد: من فرمایش آقای عباسیان را با یک تبصره قبول دارم. با این که شما عضو هیات انتخاب جشنواره فیلم فجر هستید و فیلم‌های دندان‌گیر، جریان‌سازی و ماندگار نمی‌بینید، موافق هستم. اما من با این گزاره موافق نیستم که بگوییم جشنواره فیلم فجر برآیند تولیدات سینمای ایران است. این ماحصل دست‌پخت سازمان سینمایی است که همچنان همان بند و تبصره‌ای که درباره پروانه ساخت و نمایش هست، وجود ندارد. ما درباره قهرمان صحبت می‌کنیم و ما در پرتره‌ای که از شهید زین‌الدین ساختیم متهم می‌شویم که قهرمان نیست چون نماز نمی‌خواند. یعنی اگر می‌خواهیم قهرمان هم خلق کنیم باید از مسیر سنگلاخی عبور کنیم. ما از ابتدا سعی داشتیم قهرمانی بسازیم که مخاطب با او ارتباط برقرار کند و بداند.

وی تاکید کرد: درباره تهدیدهای سینمای من همچنان معتقدم مدیرانی که در تصمیم‌گیری و تصمیم‌سازی ترسو هستند و چوب لای چرخ تولیدات سینمای ایران می‌گذارند، بزرگ‌ترین تهدید هستند. اما برخلاف آقای عباسیان من به شدت امیدوارم. نقطه امیدواری من نیز نسل جدید و به ویژه فیلم اولی‌هایی هستند که برخی از آن‌ها تحت نظر قوانین غلط مدیران بازی نمی‌کنند. آن ها کسانی هستند که فیلم‌هایشان را به جشنواره‌ها نمی‌فرستند و در استان‌ها و خارج از ایران اکران می‌کنند. در فیلم کوتاه هم اتفاقات خوبی رقم می‌خورد‌. من درباره جریان اپوزیسیون صحبت نمی‌کنم بلکه نسل جدید فیلم‌اولی‌ها یک جریان و عشق به سینمایی دارد که برایش فیلمسازی موضوعیت دارد و مهم است‌.

مهدی سجاده‌چی در ادامه عنوان کرد: ما در کشورمان نیروی انسانی عجیبی داریم که تمام نمی‌شوند؛ هرچقدر پیر شوند، فوت شوند و از ایران بروند. نیروی انسانی نه تنها در سینما بلکه در کشورمان حتی با سیستم فشل آموزشی موفق ظاهر می‌شوند. درباره تهدیدها باید بگویم که یک چالش اصلی وجود دارد که سینمای دنیا با آن درگیر است. سال گذشته فیلم «اوپنهایمر» را دیدیم و نفس راحتی کشیدیم که بالاخره یک فیلم خوب دیدیم. در ایران هم همین مساله وجود دارد. نباید بر سر سینما زد، بلکه بحرانی است که‌ در دنیا وجود دارد. مخاطب جدید آنقدر فیلم و سریال می‌بیند که سختگیر شده است و آدم‌های خاصی باید پیدا شوند که فیلم خاصی بسازند. ما نیز طبیعی است که مانند دنیا سالی ۲\_۳ فیلم خوب، ۱۴\_۱۵ فیلم متوسط و چندین فیلم بد بسازیم.

امیررضا مافی در پایان سخنان خود گفت: من امروزه بزرگترین بحران سینما را سیاست‌زدگی می‌بینم. این باعث شده است که ما عمق معنایی را در سینما از دست بدهیم و عمق راهبردی ما دچار مساله شود. سینمای ما امروز به لحاظ محتوایی در وضعیت ابتذال به سر می‌برد. این مساله به واسطه سیاست‌زده بودنش یک تهدید است زیرا مدیران ما خیلی در جهان امروز زیست نمی‌کنند. حرکت‌های اجتماعی و مردمی این را نشان می دهد که ما داریم از این بحران گذر می‌کنیم. فکر می‌کنم در وضعیت جدید سینما مردم ما سراغ دیدن فیلم‌هایی در سالن سینما می‌روند که در قواره سینمایی باشد و ما امروز فیلم در قواره سینما خیلی کم داریم. به جز فیلم‌های کمدی، فیلم‌های غیرکمدی که ارزشمند باشند و مخاطب آن را روی پرده سینما ببیند، بسیار کم است. امیدواریم که فیلمسازانی در این کشور رشد کنند که قدر معنا را بدانند و فیلمی برای سینما بسازند و مردم را به سالن‌های سینما ببرند. اما معتقدم که لازمه پرشور شدن سالن‌های سینما ساختار اثر معنایی از هر نظر است. این ابتلای شدید سینمای ما به سیاست‌زدگی موجب بحران‌های زیادی شده است.

در پایان این نشست امیر قادری گفت:  به نظر من ما اکنون در نقطه تصمیمات مهم ایستاده‌ایم و مدیرانی باید این تصمیات بزرگ را بگیرند.

دومین جلسه از سلسله نشست‌های «سینما رو به آینده» امشب 18 تیرماه با حضور سیدمحمد حسینی، منوچهر شاهسواری، کمال تبریزی، بابک خواجه پاشا، آزیتا موگویی و محمد ساسان در پردیس سینمایی آزادی برگزار می‌شود.